

Feasibility Study of Using Islamic Financial Resources for the Prevention and Treatment of Coronavirus Disease with an Emphasis on Waqf (Endowment)¹

Mohammad Mehdi Moridi

PhD. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. dr.mohamadta@gmail.com

Fakhrullah Mollai Kendallos

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran (**Corresponding Author**). fmk@gmail.com

Hamed Rostami Najafabadi

Assistant Professor, Department of Theology, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Tehran Branch, University of Islamic Religions, Tehran, Iran. H.rostami۱۳۶۰@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to determine the feasibility of using financial resources of the Islamic government, especially Mowqufāt (endowed assets) to prevent and confront Coronavirus disease relying on the evidence of Islamic rules. The method of study is descriptive-analytic and it has dealt with this main question: What is the ruling on using Islamic financial resources, especially waqf to prevent and confront Coronavirus disease from the view of Imāmiyah Fiqh? The results showed that the philosophy of assigning Islamic financial resources is related to their type of use. Financial needs for the prevention and treatment of Coronavirus disease can be resolved by using many of these resources in the path of God. Moreover, although assigned to some purposes other than medical use and scientific research, the assets of waqf can be used for the prevention and treatment of Coronavirus disease.

Keywords: Islamic Financial Resources, Coronavirus Disease (Covid-۱۹), Waqf (Endowment).

¹ **Received:** ۲۰۲۱/۰۲/۰۱ ; **Accepted:** ۲۰۲۱/۰۲/۱۹

مطالعات فقهی و فلسفی (دوره ۱۲، شماره ۳، پیاپی ۴۷، ۱۴۰۰)

امکان سنجی استفاده از منابع مالی اسلامی برای پیشگیری و درمان کرونا با تأکید بر وقف^۲

محمد مهدی مریدی

دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. dr.mohamadta@gmail.com

فخرالله ملایی کندلوس

استادیار، گروه الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول).

fmk@gmail.com

حامد رستمی نجف آبادی

استادیار، گروه الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران. H.rostami۱۳۶۵@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین امکان سنجی استفاده از منابع مالی حکومت اسلامی برای پیشگیری و مقابله با کرونا، به ویژه موقوفات با استفاده از ادله احکام اسلامی است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و به این سوال اساسی پرداخته شده که استفاده از منابع مالی اسلامی به ویژه وقف برای پیشگیری و مقابله با کرونا از نظر فقه امامیه چه حکمی دارد؟ نتایج نشان داد که فلسفه اختصاص منابع مالی اسلامی به نوع مصرف آنها مربوط است. از طریق مصرف فی سبیل الله در اکثر این منابع می توان نیاز مالی برای پیشگیری و درمان کرونا را برطرف کرد. همچنین می توان از وقف، اگرچه در اغراض و مقاصدی غیر از مصارف پزشکی و تحقیقات علمی وقف شده اند، برای پیشگیری و درمان کرونا استفاده کرد.

کلیدواژه ها: منابع مالی اسلامی، کرونا، وقف.

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

۱- مقدمه

نظام مالی اسلام یکی از ابزارهای مؤثر بر فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی است و می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های کشورها نقش مؤثری را ایفا نماید. برای توفیق دولت اسلامی در رسیدن به اهداف و برنامه‌های خود، لازم است به صورت مبنایی منابع مالی دولت اسلامی براساس فقه و سیره اهل بیت (ع) بررسی و معیارهای تخصیص بودجه در دولت اسلامی استخراج شود، چون‌که حکومت اسلامی برای اداره جامعه و انجام مسئولیت‌های فراوانی که برعهده دارد، نیاز به پشتوانه مالی دارد. بدین روی، لازم است بحثی با عنوان منابع و مصارف بیت‌المال مطرح و در آن، جایگاه زکات، خمس، انفال و غیره بررسی شود. این پژوهش ابتدا به منابع مالی دولت اسلامی و انواع آن از لحاظ مصارف می‌پردازد و سپس براساس نوع مصرف آن منابع، به معیارهای تخصیص بودجه در دولت اسلامی و امکان‌سنجی استفاده از این منابع مالی برای پیشگیری و مقابله با کرونا و تحقیقات پزشکی که امروزه با آن مواجه‌ایم، پرداخته می‌شود. لذا در این پژوهش به صورت تخصصی و با استفاده از ادله احکام اسلامی این موضوع بررسی خواهد شد که منابع مالی حکومت اسلامی به ویژه وقف و وقف احسن را برای تحقیقات پزشکی و پیشگیری و مقابله با کرونا چگونه می‌توان امکان‌سنجی نموده و استفاده کرد؟

در راستای پژوهش حاضر، میسمی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان امکان‌سنجی فقهی - اقتصادی استفاده از نهاد وقف در تأمین مالی خرد اسلامی: درس‌هایی برای اصلاح نظام قرض‌الحسنه در کشور، نشان دادند که نهاد وقف در اقتصاد اسلامی این ظرفیت فقهی - اقتصادی را دارد که به عنوان منبع درآمدی برای مؤسسه تأمین مالی خرد در نظر گرفته شود.

تبیین درست و کامل منابع مالی اسلامی به شیوه تطبیقی و مقارن در فقه مذاهب اسلامی به ویژه وقف و وقف احسن که برای تحقیقات پزشکی و پیشگیری و مقابله با ویروس کرونا می‌توان از آن‌ها استفاده نمود، از نوآوری‌های این پژوهش است. در واقع، هدف پژوهش حاضر تبیین امکان‌سنجی استفاده از منابع مالی حکومت اسلامی برای پیشگیری و مقابله با کرونا به‌ویژه موقوفات، با استفاده از ادله احکام اسلامی است. همچنین نظر فقها و مراجع تقلید در مورد استفاده از منابع مالی اسلامی به‌ویژه موقوفات جهت تحقیقات پزشکی و پیشگیری و مقابله با کرونا مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که استفاده از منابع مالی اسلامی به‌ویژه وقف جهت پیشگیری و

مقابله با بلایای نوظهور از قبیل کرونا، از نظر فقه امامیه چه حکمی دارد؟ به نظر می‌رسد استفاده از منابع مالی اسلامی از قبیل وقف حتی در فرض معین شده در امر خاص، جایز است در جهت پیشگیری و مقابله با بلایای نوظهور مانند ویروس کرونا مورد استفاده قرار بگیرد.

۲- مصادیق و مصارف منابع مالی اسلامی

۲-۱- انفال

انفال در لغت جمع نَفْل یا نَفْلٌ به معنای غنیمت‌ها، بخشش‌ها و زیاده‌ها است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۵۵). محقق حلّی می‌نویسد: «انفال عبارت است از اموالی که امام بر وجه خاصی مستحق است، همان‌گونه که برای رسول خدا(ص) نیز این استحقاق بوده است» (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۸۳). پس از آنکه در آیه ۶ سوره حشر انفال متعلق به رسول خدا و حاکم اسلامی معرفی شده، آیه بعد موارد مصرف این اموال را بیان می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۲۰۳)، «ما آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (حشر، ۶). در آیه فوق، موارد مصرف برای این‌گونه اموال ذکر شده است: سهم خداوند که بر پایه روایات به رسول خدا(ص) و حاکم اسلامی تعلق دارد و آنان در هر راهی که صلاح بدانند مصرف می‌کنند و سهم رسول که رسول خدا و حاکم اسلامی می‌تواند در کنار سهم خداوند، آن را در مصارف شخصی خود و دیگر مصارف حکومت اسلامی و نیازمندان هزینه کند (هندی، ۱۳۶۴ق، ج ۴، ص ۵۲۲).

به نظر برخی مصارف انفال منحصر در مصادیقی که در این دو آیه ذکر شده، نیست و این مصارف تنها از آن جهت که استحقاق بیشتری از دیگران دارند ذکر گردیده است، بنابراین، حاکم اسلامی در هر راهی که صلاح بدانند می‌تواند انفال را هزینه کند. نویسنده پیشنهاد می‌کند که از ظرفیت داخلی استفاده شود. یکی از ظرفیت‌های داخلی، بحث انفال است و مسئولین می‌توانند با تدبیر صحیح، مشکلات اقتصادی در حوزه کرونا و ویروس را حل کنند.

۲-۲- زکات

اصل کلمه "زکات" به معنای رشد و نموّی است که از برکت الهی در چیزهای دنیوی و اخروی حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۰). زکات را به‌عنوان یکی از منابع بیت‌المال واجب گردانید تا از آن در جهت رفع مشکلات اقشار محروم و نیازمند و همچنین توسعه امکانات رفاهی برای عموم مردم و نیز گسترش دین و تقویت

دینداری، بهره گرفته شود. از مراجع تقلید سؤال شده، آیا می‌شود زکات را صرف ادوات بهداشتی برای مقابله با ویروس کرونا مانند تهیه ماسک و دستکش و نیازهای دیگر در این راستا کرد؟ اشکال ندارد از خمس و زکات با رعایت ضوابط شرعی مصرف کند و معنی ضوابط شرعی این است که مستحقین دارای شرایط هستند. مصرف زکات در سوره توبه آمده است، خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۶۰). زکات به فقراء، مساکین و کسانی که زکات را جمع‌آوری می‌کنند و کسانی که اگر به آن‌ها زکات داده شود، دل آن‌ها متمایل به اسلام می‌شود و برای آزادی برده‌ها و بدهکاران و فی سبیل الله داده می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که مراد از فی سبیل الله چیست؟ مراد از سبیل الله در گرایش خاصه و شیعه، شامل هر کار خیر عمومی است. شیخ طوسی در کتاب‌های خود به این نکته اشاره کرده و ایشان در کتاب خلاف می‌فرماید: «سبیل الله یدخل فیهِ الغزاه فی الجهاد و الحاح، و قضاء الديون عن الاموات و بناء القانطر و جميع المصالح» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۳۶) و در مبسوط همین مطالب را می‌فرماید: «یدخل فی سبیل الله معونه الحاح و قضاء الديون عن الحي و الميت و جميع سبل الخير» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۵۲). بنابراین کارهای خیر دو جور است، یکی کارهای خیر فردی و دیگری کارهای خیر جمعی است و مبارزه با کرونا از مصالح نوعیه است و دادن ماسک و دستکش به یک شخص، از مصالح نوعیه است. مهار کردن این ویروس از مصالح عمومی است و شامل ضد عفونی کردن مسجد و مصالهای نماز جمعه به‌ویژه جلسات مذهبی می‌شود و نیز شامل امکانات بهداشتی که در اختیار نمازگزاران قرار داده شود.

۲-۳-خمس

خمس در لغت به معنای یک پنجم است. به عبارت دیگر، یک واحد از عدد پنج را خمس می‌گویند. جمع خُمس، اخماس است (ابن درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۵۹۹). یکی از فروع دین، خمس یا قانون ۲۰ درصد است که در فقه شیعه به هفت چیز تعلق می‌گیرد. طبق تمام مذاهب اسلامی، غنایمی که بر اثر جهاد و یا از دارالحرب گرفته می‌شود و همچنین گنج‌ها مشمول قانون ۲۰ درصد خمس می‌گردد و در مورد معادن، تنها مذهب حنفی همراه با شیعه قائل به وجوب خمس می‌باشد. سوره انفال آیه ۱۴ تنها آیه‌ای است که به صراحت مسئله خمس و وجوب آن را بیان می‌فرماید و از سیاق آن می‌توان دریافت که حق تعالی برای اهل بیت به‌عنوان پشتیبانی اقتصادی، وجوب ادای خمس را به پیشوایان معصوم(ع)، بر مسلمانان قرار داده است. مراجع تقلید همواره از پیشگامان خدمات‌رسانی اجتماعی

بوده‌اند و در پی شیوع کرونا، مراجع عظام تقلید بخشی از سهم امام را برای امور درمانی و تحقیقاتی مجاز دانستند. در اندیشه تشیع، فقهای جامع‌الشرایط و مراجع تقلید، نواب عام امام زمان(عج) در زمان غیبت هستند و از این حیث اجازه دارند که سهم امام از خمس را در راهی که تشخیص می‌دهند نیاز امت اسلامی و مورد رضایت امام است، مصرف کنند. امروزه در پی شیوع ویروس کرونا و پیامدهای آن، مراجع عظام تقلید در پیام‌هایی به این امر مبادرت کرده و بخشی از سهم امام را برای نجات بیماران و تحقیقات، مجاز دانستند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. آیت‌الله مکارم شیرازی اجازه در یک سوم و آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله شبیری زنجانی، آیت‌الله صافی گلپایگانی و آیت‌الله نوری همدانی اجازه در نصف سهم امام را برای مقابله با کرونا دادند.

۲-۴-وقف

وقف در لغت به معنای ایستادن، ماندن و آرام گرفتن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۵). وقف در اصطلاح فقهی، نگهداشتن و حبس کردن عین ملک و مصرف کردن منافع آن در راه خدا است. اهتمام فوق‌العاده امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان الگویی برای بشریت به سنت وقف، حاکی از اهمیت این سنت در مکتب اقتصادی اسلام است و با توجه به این رویکرد امام علی(ع) شایسته است که به وقف به عنوان یک نهاد مؤثر اقتصادی توجه شود. با در نظر گرفتن این نکته بسیار مهم که حضرت علی(ع) با توجه به نیاز جامعه اسلامی زمان خود و شرایط جغرافیایی قلمرو اسلام، با حفر چاه و احداث نخلستان و وقف آن‌ها برای تأمین نیاز جامعه اسلامی اقدام نموده‌اند و تمامی مسلمانان و خیران را به این مهم رهنمون شده‌اند که متناسب با نیاز روز جامعه که بحث کرونا و ویروس است، دارایی‌های خود را وقف کنند.

۳- موافقان استفاده از وقف برای پیشگیری و درمان کرونا

ویروس‌های کرونا گروه بزرگی از ویروس‌ها هستند که می‌توانند حیوانات و انسان‌ها را آلوده کنند و باعث بروز ناراحتی‌های تنفسی شوند؛ این ناراحتی‌ها ممکن است به اندازه سرماخوردگی خفیف یا به اندازه ذات‌الریه شدید باشند. در موارد نادر، ویروس‌های کرونای حیوانی، انسان‌ها را آلوده می‌کنند و سپس بین آن‌ها سرایت پیدا می‌کنند.

اصل اولیه در موقوفات، عدم تغییر و تبدیل است، لکن در شرایط غیرعادی و خروج موقوفات از منافع، در موارد خاص موقوفات قابل تبدیل بوده که برای اثبات این نظریه ادله خود را در ذیل می‌آوریم:

الف) روایات

روایت اول: امام جواد(ع) به منظور منع از اختلاف و تلف مال و جان، بیع وقف را مجاز نموده است (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۹۸). در این روایت، حفظ جان و مال مردم اولی و حتی بر موقوفه ارجح است و این از باب قاعده «تقدیم اهم بر مهم» است که در نتیجه آن، بیع و تبدیل موقوفات جایز است.

روایت دوم: روایت حمیری که درخصوص خبر رسیده از امام صادق(ع) راجع به بیع موقوفه گروهی که همگی بر آن متفقاند و فروش را برای خود سودمندتر می‌دانند، مکاتبه کرده است، امام(ع) فرمودند: «در صورتی که موقوفه‌علیه، امام مسلمین باشد، فروش وقف جایز نیست، اما اگر موقوفه‌علیهم گروهی از مسلمین باشند، هر یک می‌توانند چه به صورت دسته‌جمعی و چه به صورت انفرادی، سهم خود را بفروشند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۱۹۱).

ب) حق بطون

در شرایطی که وقف خراب شود، به گونه‌ای که با بقاء عین، انتفاع غیرممکن باشد، امر دائر بین سه مورد است: یا تعطیلی موقوفه که خود به خود تلف شود، یا موقوفه‌علیه موجود از آن منفعت برده تا در نهایت منجر به اتلاف آن شود (حق بطون لاحق از بین برود) و یا تبدیل به چیزی شود که با بقاء آن، همگان از موقوفه استفاده کنند. مورد اول و دوم تضییق حقوق بوده که با حق الله، حق واقف و حق موقوفه‌علیهم منافات دارد، زیرا فقط موقوفه‌علیهم موجود حق انتفاع از وقف را ندارند (محقق کرکی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۷۹).

ج) حکم عقل

با بررسی مبانی فقهی و اصولی، تلازم بین عقل و شرع نزد امامیه مشهود است و این ملازمه عقلاً ثابت است، چراکه عقل وقتی به حُسن یا قبح چیزی حکم کرد - یعنی وقتی آراء جمیع عقلاء از آن حیث که عقلاً هستند بر حُسن چیزی در جهت حفظ نظام و بقاء نوع بشر و یا بر قبح چیزی به خاطر اخلال در حفظ نظام و بقاء نوع متفق باشد - این حکم حکایت از رأی همه عقلاء خواهد داشت و شارع نیز لزوماً بر طبق آن حکم می‌کند، چراکه شارع نیز از عقلاء و بلکه رئیس عقلاء است.

پس شارع از آن حیث که عاقل - بلکه خالق عقل - است مانند سایر عقلاء بایستی بر طبق حکم عقل، حکم کند و اگر فرض کنیم که شارع با عقلاء بر حکم عقل شریک نباشد، آن حکم نباید نشانگر رأی همه عقلاء باشد و این خلاف فرض است (مظفر، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۱۵). توسل به عقل در خصوص اثبات دلیل، به منظور تبدیل و بیع موقوفات در شرایط غیرعادی پسندیده است، چراکه تمسک و اعتماد به عقل و گشودن باب اجتهاد، یکی از وجوه تمایز قابل توجه امامیه نسبت به عامه است.

د) قاعده «ما لایدرک کله لایترک کله»

منظور از قاعده این است که آنچه تمامش دست‌یافتنی نیست، نباید تمامش را رها کرد. به تعبیری دیگر، اگر چیزی یا مصلحتی را به دلایلی نمی‌توان به‌طور کامل انجام داد ولی بخشی از آن قابل انجام است، به همان مقدار می‌توان بسنده کرد و شایسته نیست که تمام آن مصلحت به‌خاطر زوال قسمتی، ترک شده و کنار گذاشته شود.

از برخی از فقها منقول است که در هر جایی که رسم موقوفه باطل شد براساس «لایسقط المیسور بالمعسور و ما لایدرک کله لایترک کله» در وجوه البرّ صرف می‌شود و یا در وجوب صرف وقف در اقرب، به مصلحت این است که براساس قاعده مذکور باشد (کاشف‌الغطاء، بی تا، ص ۵۵) و آنچه از قاعده «ما لایدرک کله لایترک کله» استنباط می‌شود همین است که در شرایطی که نمی‌توان به‌طور کامل از موقوفه منفعت برد، لاجرم باید شیوه دیگری جایگزین نمود و مناسب‌ترین طرق، تبدیل است. خلاصه اینکه در مجموع از نظرات اکثر فقها اسلامی چنین مستفاد می‌شود که در صورت ظهور و بروز اتفاقات یا به‌وجود آمدن شرایط غیرعادی و استثنایی، در وقف‌های موقت و خاص و وقف منفعت، تبدیل وضعیت موقوفات مجاز است (حلی، ۱۴۱۳ق/الف، ج ۲، ص ۳۹۴؛ فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۳۱۱؛ امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۷).

۴- مخالفان استفاده از وقف برای پیشگیری و درمان کرونا

برخی از فقها بیع و استبدال وقف را به هیچ وجه جایز نمی‌دانند، چراکه حبس اصل مال در وقف و عدم جواز فروش و تبدیل وقف را جزء ماهیت وقف قرار می‌دهند (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۵۳). از این منظر فروش وقف، هبه و انتقال آن صحیح نیست و اگر خانه خراب شد عرصه از وقفیت خارج نمی‌شود و بیع آن جایز نمی‌باشد، زیرا عرصه از جمله موقوفات بوده و پابرجاست (حلی، ۱۴۱۳ق/الف، ج ۲، ص ۳۹۵). حتی برخی عدم جواز فروش اموال وقفی را از

قطعیات ضروریات دین دانسته‌اند (عاملی غروی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱، ص ۶۷۹). بنابراین، امکان تبدیل یا بیع موقوفه با مقتضای عقد وقف و اراده واقف در تعارض است، چراکه اراده واقف حبس دائم و تسبیل منفعت است و دوامی که در بعضی روایات آمده از مقتضیات و مقومات وقف است (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۲، ص ۳۵۸). حتی اگر خرابی موقوفه باعث کاهش شدید منافع آن شود به گونه‌ای که منافع آن در حکم عدم باشد، فقها قائل به عدم جواز بیع هستند (مظفری، ۱۳۸۷، ص ۳۷۱). جوابی که می‌شود داد به کسانی که ماهیت وقف را که حبس عین است مانع بیع و تبدیل وقف می‌دانند، این است که: «الوقف تحبیس الأصل و تسبیل الثمره (أو المنفعة)»، از اینجا می‌توان فهمید که چرا عین را حبس می‌کنیم، فلسفه حبس عین چیست؟

فلسفه‌اش تسبیل المنفعة است، یعنی تا مردم از آن بهره بگیرند. معلوم می‌شود که اساس حبس عین، تسبیل منفعت است، حالا اگر این اساس به هم خورد، یعنی تسبیل المنفعة بهم خورد، به این معنی که عین موقوفه با این حالتی که پیدا کرده منفعتی برایش باقی نمانده، گوسفند را سر بریده، تیر مسجد الان کهنه شده، حصیر مسجد کهنه و فرسوده شده و از دایره انتفاع بیرون رفته، الان تسبیل المنفعة نیست، حال اگر تسبیل المنفعة نیست، پس نباید تحبیس الأصل هم باشد، یعنی حبس هم معنی ندارد، زیرا علت اگر از بین رفت، قهراً معلول هم از بین می‌رود. این بیانی که ارائه شد در اصطلاح امروزی به آن می‌گویند: «مقاصد الشریعه»، غالباً سنی‌ها می‌گویند: مقاصد الشریعه، ما می‌گوییم: مصالح و مفاسد، در اینجا باید بگوییم: «مقاصد الواقف»، واقف که عین را حبس کرده، قهراً از این حبس عین یک غرضی داشته، غرضش تسبیل الثمره بوده، اگر تسبیل الثمره امکان نداشته باشد، حبس العین هم معنی نخواهد داشت، پس چه کنیم؟ باید عین را تبدیل به عین دیگر کنیم تا تسبیل الثمره عملی بشود.

۴-۱- ادله مخالفان استفاده از وقف برای مقابله با کرونا

الف) قرآن

خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای اهل ایمان، اموال یکدیگر را در میان خود به باطل مخورید، مگر آنکه تجارتی از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد» (نساء، ۲۹). واژه "اکل" به هر نوع خرج و صرف مال اطلاق می‌شود و کلمه "باطل" یعنی مال به وجه نامشروع، مشمول منع این آیه محسوب شده است (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۵۱۳). چون تبدیل و تصرف در موقوفات باید با مجوز شرعی باشد، هرگونه بیع و استبدال بدون مجوز شرعی، در واقع تصرف و خوردن مال به باطل و حرام محسوب می‌شود. در پاسخ می‌توان گفت: جایی که اذن باشد

چه با اجازه اشخاص در ملک خصوصی و چه با مجوز شرعی در اموال و املاک عمومی و از جمله موقوفات، حرمتی وجود ندارد که برای اثبات آن به این آیه از قرآن استناد شود. بنابراین، در جایی که یکی از عوامل و مسوغات بیع یا استبدال ظهور نماید، تبدیل وقف به احسن جایز است، همچنان که در کلام موافقان روشن می‌گردد.

ب) روایات

روایت اول: امام صادق(ع) می‌فرماید: «این صورت مالی است که علی بن ابیطالب(ع) آن را صدقه قرار داده است، خانه خود در بنی زریق را صدقه قرار داد تا به هیچ وجه فروخته نشود و هبه نگردد تا آنگاه که وارث آسمان‌ها و زمین آن را به ارث برد» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۴۸).

روایت دوم: از ابوعلی بن راشد منقول است که در مورد خریدن موقوفه‌ای بدون اطلاع از وقفیت آن، از ابوالحسن(ع) سؤال نموده است و امام فرمود: «خریدن وقف جایز نیست و درآمد آن را به مال خود داخل مکن، آن را به کسانی که زمین به نفع ایشان وقف شده است، تسلیم کن» (کلینی، ۱۴۲۱ق، ج ۷، ص ۳۷). وجوب وفای به عقود و شروطی که واقف منظور نموده، لازم است و این شروط مقتضای اصل حبس ابدی است. در این رابطه به قاعده «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها» استناد می‌گردد. همچنان که عرفاً اقتضای وفای به عقد و شرط، عدم بیع و تبدیل آن است. از روایات می‌توان این‌گونه پاسخ داد: روایات ناظر به جایی است که انتفاع از وقف ممکن باشد و بشود از آن استفاده نمود و بهره گرفت، اما در جایی که انتفاع برای موقوف‌علیهم ممکن نیست، روایات آنجا را نمی‌گیرد؛ اجماع هم دلیل لَبّی است و در دلیل لَبّی به قدر متیقن اکتفا می‌شود، قدر متیقن از اجماع جایی است که مبیع منفعت داشته باشد، همچنین روایاتی که می‌فرماید: «لا یجوز بیع الوقف»، جایی را می‌گوید که حالت سوددهی را داشته باشد.

ج) عدم وجود شرایط عوضین

برای صحیح بودن هر عقدی، لازم است مورد معامله دارای شرایطی باشد که فقدان یکی از آنها موجب بطلان عقد می‌گردد؛ از جمله این شروط، قابلیت نقل و انتقال است. بنابراین، ممکن است مورد معامله دارای مالیت و منفعت عقلایی و مشروع بوده و حتی از نظر مادی مقدور التسلیم و همچنین معلوم و معین باشد ولی قابل انتقال نباشد، بدیهی است در این‌گونه موارد چون قانوناً و شرعاً قابل نقل و انتقال نیست، پس عقد باطل است. فخرالمحققین به نقل از ابن ادریس «دوام الاصل مع بقاء منفعت» را اقتضاء وقف دانسته و خود تأیید را مانع جواز بیع می‌داند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۹۲). صاحب جواهر نیز عقیده دارد که جواز بیع با وقف در تضاد است و این دو

متعارض اند و قابل جمع نیستند، چون وقف از دوام و تأیید برخوردار است، پس نفی معاوضات در مفهوم وقف وجود دارد (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۲، ص ۳۵۷). از این دلیل می توان این گونه پاسخ داد: جناب واقف که وقف می کند و می گوید: «هذا وقف لا بیع و لا یرهن حتی یرث الله الأرض و ما فیها»، مثلاً این گوسفند من وقف است «إلی أن یرث الله الأرض و من علیها» و حال آنکه گوسفند یا قالی یا چیز دیگر تا روز قیامت باقی نمی ماند، پس معلوم می شود نظرش این است که عین ولو باقی نمی ماند، اما مالیتش تا روز قیامت باقی می ماند، مرادش این است که اگر عین باقی نماند و در حال از بین رفتن بود، لا اقل مالیتش را حفظ کنید، یعنی آن را به چیز دیگر تبدیل کنید و همگذا اگر آن چیز دیگر هم روبه نابودی رفت، به چیز سومی تبدیل نمایید.

د) اجماع

مخالفین بیع و تبدیل موقوفه می گویند اجماع داریم که: «الوقف لا بیع و لا یرهن». در جواب این دلیل می توانیم بگوییم که این اجماع در جایی است که انتفاع ممکن باشد و حال آنکه انتفاع در اینجا ممکن نیست. به بیان دیگر اجماع، ناظر به جایی است که انتفاع ممکن باشد و در اینجا انتفاع ممکن نیست.

ط) استصحاب

دلیل پنجم استصحاب است. تقریر این دلیل به این شکل است که وقف سابقاً محرم البیع بود، حالا هم محرم البیع است. در جواب می گوییم که در استصحاب، وحدت قضیه مشکوکه با قضیه متیقنه شرط است. اگر می بینید که سابقاً بیع این عین موقوفه جایز نبود، چون سودده بود، الان سودده نیست؛ بنابراین، متیقین (سودده) غیر از مشکوک (غیر سودده) است، لذا، نمی توانیم آن را استصحاب کنیم.

۵- شرایط استفاده از وقف برای پیشگیری و درمان کرونا

الف) تأمین نشدن غرض و نیت واقف: غرض واقف در وقف مال، تحقق خیریه جاری و ساری است و وقتی موقوفه ای خراب شود که از انتفاع ساقط گردد و امید بازگشت آن نباشد، در واقع مراد و مقصود واقف زائل گردیده است، چون وقف، تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه بوده و با بروز چنین شرایطی، غرض اصلی واقف منتفی گردید، لذا، بیع و تبدیل وقف اقرب به غرض واقف است (محقق کرکی، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۷۰؛ نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۸، ص ۱۱۳).

ب) **اختلاف شدید میان موقوف علیهم:** حفظ نفوس از حفظ اموال در نزد شارع مهم تر است و او با جعل قوانین در این راستا نه تنها از اختلاف و سفک دماء جلوگیری می نماید، بلکه باعث اتحاد آنها می شود. لذا، در شرایطی که علم یا ظن قوی حاصل شود بر اینکه اختلاف بر سر موقوفه به قتل و خونریزی می انجامد، تبدیل وضعیت، راهگشا است. برخی دیگر از فقها در شرایط خاص، بیع و تبدیل موقوفات را مجاز کرده اند. شیخ طوسی به استناد روایتی از عباس بن معروف از علی بن مهزیار از ابوجعفر (ع) آورده است: «اگر از وجود اختلاف میان صاحبان وقف اطلاع دارد و فروختن وقف را بهتر می داند، آن را بفروشد، زیرا چه بسا اختلاف، تلف اموال و نفوس را در پی داشته باشد».

ج) **انفع بودن تبدیل وضعیت موقوفه:** واقف در وقف خویش غالباً در پی انتفاع موقوف علیه است و دوست دارد تا ابد، این انتفاع جریان داشته و روز به روز از ارزش و بازده بیشتری برخوردار گردد، اما گاهی این وضعیت متوقف می شود و آن طور که غرض و نیت واقف است به موقوف علیه منفعتمی رساند و یا اینکه در شرایط خاص و وفق برنامه های اقتصادی زمان، استفاده از موقوفه به نحو سابق چندان سودمند نیست؛ بنابراین، در صورتی که تبدیل وضعیت سبب سود بیشتر شود تبدیل موقوفه انجام می شود، همچنان که شیخ مفید آن را جایز نموده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۵۲). در روایتی از امام صادق (ع) منقول است که اگر ورثه واقف، نیازمند باشند یا اینکه محصول زمین موقوفه کافی نباشد، هرگاه همگی راضی باشند و فروختن موقوفه برای همه آنها انفع باشد، می توانند آن را بفروشند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۴۳). بعضی از فقها یکی از موارد بیع وقف را در صورتی می دانند که بیع موقوفه سودمندتر باشد (حلی، ۱۴۱۳ق/الف، ج ۲، ص ۲۳).

د) **خرابی موقوفه:** سیدمرتضی در خصوص مخالفت ابن جنید با بیع وقف، نظر او را فاقد اعتبار دانسته، به دلیل اینکه قبل از او اجماع صورت گرفته و معتقد است که هرگاه وقف خراب شد به گونه ای که برای موقوف علیه نفعی نداشته و همچنین ارباب وقف نیاز شدیدی به آن پیدا کنند، جایز است که آن را بفروشند.

شیخ طوسی می فرماید: در صورت ترس از فساد و هلاک وقف یا نیاز ضروری موقوف علیه و یا وجود اختلاف میان موقوف علیهم، بیع وقف جایز است (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۶۰۰). شهید اول در کتاب دروس، در صورت ترس از خرابی و یا اختلاف منجر به فساد میان موقوف علیهم، بیع وقف را مجاز دانسته است (عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۷۹). از کلام بعضی از فقها چنین مستفاد می شود که جواز بیع وقف خاص، چه بر شخص معین وقف شده باشد و چه بر عنوان عام، در جایی که خراب شود و تعمیر آن و برگشت به حالت اولیه ممکن نباشد، نزد فقها امامیه مشهور است

(شمس‌الدین، ۱۴۲۶ق، ص ۲۷۳). مشهور علمای ما گفته‌اند اگر موقوف‌علیه از بین برود موقوفه در وجوه البرّ مصرف شود، وجوه البرّ غیر از صدقه است، چون صدقه مال فقراست، اما وجوه البرّ ربطی به فقرا ندارد، وجوه البرّ مانند مدرسه ساختن، پل ساختن، حمام درست کردن؛ اگر واقعاً این وقف قابل اداره نیست، یعنی درآمد آن به درد نمی‌خورد، یصرف فی وجوه البرّ یعنی مسجد، خانه، مدرسه و امثالش را بسازیم، خواه این وجوه البرّ به غرض واقف نزدیک باشد یا نباشد. شیخ طوسی می‌فرماید: اگر مسلمانی چیزی را در مصلحتی وقف کرد، سپس آن چیز از بین رفت، موقوفه در کار خیر صرف می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۶۰۰). محقق حلّی در کتاب شرایع می‌فرماید: اگر چیزی را در مصلحتی وقف کرد، سپس آن چیز از بین رفت، موقوفه در کار خیر صرف می‌شود (محقق حلّی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۱۵).

صاحب جواهر بر قول مشهور استدلال کرده و می‌فرماید: بعضی از فقها قائل هستند که مال موقوفه بعد از اینکه از بین رفت منتقل می‌شود به ورثه واقف (در صورت وفات واقف)، در صورتی که دلیلی بر این قول ندارند؛ عده‌ای قائل هستند که مال موقوفه در مشابه موقوف‌علیه مصرف شود درحالی‌که بر این قول هم دلیلی نیافتیم، فهو ملک المسلمین و باید در وجوه البرّ مصرف شود. مرحوم صاحب جواهر سپس فتوای کلی می‌دهد و می‌گوید: «الأصل فی کلّ مال خرج عن ملک مالک»، مصرفش وجوه البرّ است، هر وقتی که مصرفش در موقوف‌علیه معینش امکان‌پذیر نشد، آن را در وجوه البرّ مصرف می‌کنند (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۸، ص ۴۵). البته صاحب جواهر بر این اصل دو روایت هم آورده است. محمد بن حسن صفّار از سهل بن زیاد، از محمد ابن ریّان روایت کرده است که گفت: «از حضور آن امام- یعنی علی بن محمد(ع)- طی نامه‌ای درباره انسانی سؤال کردم که وصیتی بکند، ولی وصی جز یک باب از آن وصیت را به خاطر نیآورد، در این صورت تکلیف وصی نسبت به سایر ابواب چیست؟ پس امام(ع) در پاسخ نامه مرقوم فرمود که بقیه ابواب را در خیرات و مبرات مصروف دار. این حکم میان فقهای ما مشهور است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۹۳). صاحب جواهر ادعا می‌کند هر چیزی که امکان مصرف ندارد، به وجوه البرّ می‌بریم. از حضرت سؤال می‌کند که یک نفر وصیت کرده که مال مرا در فلان مورد، مورد دوم و در مورد سوم یا چهارم، همه را فراموش کرده، فقط مورد پنجم یادش است، بقیه را چه کند؟ حضرت می‌فرماید: بقیه را به وجوه البرّ و خیر مصرف کند. بنابراین، اگر کسی بپرسد که وصیت‌نامه گم شده، فقط یکی از آنها به یادم است، اما بقیه یادم نیست، می‌گوییم آن یکی را عمل کنید، بقیه را در وجوه برّ مصرف کنید.

ط) **قلیل المنفعه یا متعذر المنفعه بودن وقف:** انتفاع ناچیز جزء موارد بیع و تبدیل وقف محسوب می‌گردد (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۳۰۰)، یعنی منفعت موقوفه چندان کم باشد که نه تنها امیدی به اعاده و اصلاح به حالت اولیه نیست، بلکه این منفعت ناچیز در حکم عدم منفعه باشد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۲۱). گاهی اوقات موقوفه از انتفاع برخوردار است لکن برای استفاده، عذری وجود دارد، یعنی سبب یا عاملی باعث عدم استفاده از وضعیت جاری وقف می‌شود؛ مثل اینکه موقوفه مدرسه‌ای در روستایی بوده که اهالی آن ترک محل نموده و کسی یا دانش‌آموزی در آن روستا وجود ندارد که تحصیل کند، به تعبیری دیگر متعذر المنفعه شده است؛ یا اینکه موقوفه در کشوری قرار دارد و موقوف‌علیهم در کشوری دیگر و اکنون میان دو کشور ارتباط نیست. فقهای بسیاری تعذر الانتفاع وقف را یکی از اسباب عدم جریان و استمرار منفعت مقصود دانسته و نسبت به بیع و تبدیل آن در شرایط مقتضی تصریح نموده‌اند (حلی، ۱۴۱۳ق/ب، ج ۶، ص ۲۹۰؛ عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۸۰). حضرت امام (ره) در دو جا بیع و تبدیل را جایز می‌داند، یکی در جایی که مسلوب المنفعه باشد، مثلاً زراعت در آنجا مسلوب المنفعه است یا قلیل المنفعه باشد. امام خمینی به این دو مورد قائل است. ایشان می‌فرماید: یا باید مسلوب المنفعه بشود تا بتوانیم تبدیل کنیم و تغییر بدهیم یا قلیل المنفعه باشد. ولی می‌توان گفت که این دو تا لازم نیست حتی اگر جایی عنوان را عوض کنیم، کثیر المنفعه اعود و أنفع است، اگر ما اینجا را تجاری کنیم ده برابر درآمد دارد و موقوف‌علیهم بهتر زندگی می‌کنند؛ چرا در این گونه موارد تغییر و تبدیل جایز نباشد؟

ظ) **انقضاء رسم موقوفه:** غالباً واقفان با رعایت شرایط زمان و نوع نیاز جامعه، اقدام به وقف می‌کنند و بیشتر، از نیازمندان با توجه به زمان و مکان حیات خودشان رفع نیاز می‌کنند، اما با گذر زمان و تحقق شرایط زمانی و مکانی جدید ممکن است که آن نیاز یا مورد منظور واقف، باطل شده یا از بین برود؛ مانند اینکه آب‌انباری در شهر معینی وقف کرده که هم‌اکنون چنین رسمی وجود ندارد، بنابراین، متناسب با شرایط جدید باید تبدیل وضعیت نمود (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۶۰۰). هرگاه مسلمانی مالی را بر مصلحتی وقف نماید و به‌طور کلی جهت آن از بین برود، چنان‌که مشهور فقها بیان کرده‌اند منابع آن در وجوه خیر مصرف می‌گردد (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۸، ص ۴۵).

ذ) **عوامل ثانویه:** گاهی برخی از موقوفات به دلیل اضطرار، مصالح اجتماعی و رعایت حقوق جامعه، نیازمند تبدیل وضعیت هستند؛ مثل اینکه موقوفه‌ای در مسیر تردد خیابان واقع شده و یا اینکه مانع تعریض و آبادانی خیابان آن شهر است و خیابان هم برای عموم از اهمیت بالایی برخوردار بوده و جزء مصالح شهروندان است، بنابراین، عدم تبدیل

وضعیت به طرق مختلف، نوعی اجحاف در حق آنها محسوب شده و در واقع صلاح عمومی نادیده گرفته شده است. اگر صرف غرض واقف و رعایت منظور او شود، در حقیقت مصالح و منافع عموم دچار ضرر و زیان گردیده که عقل سلیم با آن ناسازگار است. یا اینکه واقفی بستانی را وقف عزاداران روز اربعین سرور و سالار شهیدان کربلا نموده به شکلی که هر ساله محصول را میان آنها توزیع نماید، ولی مثلاً به دلیل شیوع بیماری واگیردار، وزارت بهداشت اعلام کرده در حال حاضر توزیع محصول به روش سابق ممنوع است، بنابراین، باید به شیوه دیگری عمل نمود تا هم غرض واقف و هم منافع موقوف‌علیهم از بین نرود و بهترین شیوه به نظر صحیح، تبدیل وضعیت است.

۶- نتیجه‌گیری

با بررسی منابع مالی اسلامی و غوص در آیات و روایات و کلام فقها و همچنین تأمل در مصارف هر یک از منابع مالی اسلامی، به این نتیجه رسیدیم که فلسفه اختصاص منابع مالی اسلامی در نوع مصرفشان پیدا می‌شود. منابع مالی اسلامی (انفال، زکات، خمس، فیه و...) را می‌توان در سه دسته خلاصه کرد: اخلاقی و فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی. در مصارف منابع مالی اسلامی می‌توان به تزکیه و تربیت که از امور اخلاقی اسلام هستند و همچنین تقویت بنیه دینی مردم، از قبیل ساخت مسجد و مکان‌های مذهبی، مدارس علمیه و... اشاره کرد. از امور اقتصادی که مخصوصاً در این زمانه بسیار مورد اهمیت است، می‌توان به فقرزدایی، جاده‌سازی و راه‌سازی و غیره، بنابه صلاحدید و موارد مهم مصرف این نوع منابع مالی اشاره کرد. منابع مالی اسلامی را می‌توان در امور اجتماعی که از اهمیت بالایی برخوردارند، استفاده نمود؛ مثلاً دست‌گیری از بیماران و بی‌سرپرستان و یتیمان، ساختن مراکز علمی و آموزشی و بهداشتی و غیره. این نکته حائز اهمیت است که بعضی از منابع مالی اسلامی متولی مخصوص خود را دارند و بعضی از این منابع مالی اسلامی می‌توانند در مصالح عامه استفاده شوند، مثلاً بحث فی سبیل‌الله بودن مصرف منابع مالی اسلامی بسیار گسترده است. امروزه که کشورمان مثل تمامی کشورها درگیر بیماری مسری کرونا شده است، برای پیشگیری و مبارزه با این بیماری نیازمند منابع مالی مکفی هستیم تا متخصصان بتوانند راه درمان این بیماری را کشف کنند و دولت بتواند برای امور بهداشتی و پیشگیری، از قبیل ماسک و تهیه برخی اقلام دارویی که روند بیماری کرونا را کند می‌کند، اقدام مثبتی را انجام دهد. در این میان، دولت با برخورداری از قانونی که از منابع فقهی و اسلامی پایه‌گذاری شده، می‌تواند آسان‌تر از کشورهایی که درآمد محدود دارند در برابر این بیماری بایستد و مردم جامعه را از

خطر حفظ کند. ما در این تحقیق با بررسی منابع مالی اسلامی به این نتیجه رسیدیم که دولت می‌تواند با استفاده از ظرفیت انفال، خمس، زکات و دیگر منابع اسلامی که مصرف فی سبیل الله دارند، برای پیشگیری و درمان کرونا اقدام کند.

در مورد اقسام و صور تغییر کاربری و تبدیل موقوفات به احسن در جهت پیشگیری و درمان کرونا مطالبی نشان داده شد که در بعضی از موارد می‌توان از وقف برای پیشگیری و درمان کرونا استفاده کنیم؛ آن موارد عبارتند از: از بین رفتن رسم موقوفه، از بین رفتن موقوفه‌علیه و همچنین جایی که مال موقوفه از بین برود، نه منتقل به ورثه واقف می‌شود و نه در مشابه موقوفه‌علیه استفاده می‌شود، بلکه در امور خیر (پیشگیری و درمان کرونا) استفاده می‌شود. اگر چیزی را برای جایی وقف کردند، مثلاً مغازه را برای مسجد وقف کردند و مسجد از بین رفت، آن چیز را در کار خیر (پیشگیری و درمان کرونا) می‌توان مصرف کرد. در وقف انتفاع هم، در صورت خرابی موقوفه به جای بطلان وقف، آن را در کار خیر (پیشگیری و درمان کرونا) استفاده می‌کنیم. ما در هر جایی که حکم به بطلان وقف شده یا در بعضی مواقع حکم به رها کردن موقوفه شده، تغییر کاربری و استفاده برای پیشگیری و درمان کرونا را پیشنهاد می‌کنیم. در بحث عوامل ثانویه هم می‌شود از موقوفه در جهت پیشگیری و درمان کرونا استفاده کرد؛ مثلاً با تعطیلی مراسم مذهبی تا زمانی که بیماری از بین نرفته، می‌شود از منافع موقوفات مذهبی برای پیشگیری و درمان کرونا استفاده کرد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن درید، حمد بن حسن (۱۹۸۷م). **جمهره اللغه**. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۱.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغه**. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۵.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **وسایل الشیعه**. قم: مؤسسه آل‌البیت(ع)، ج ۱۹.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ق). **السرائر**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۳.

حلى، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١٣ق/ب). **مختلف الشيعة فى احكام الشريعة**. قم: دفتر انتشارات اسلامى، جامعه مدرسين حوزة علميه.

حلى، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١٣ق/الف). **قواعد الأحكام**. قم: مؤسسه النشر الإسلامى، لجماعة المدرسين. خمينى، سيد روح الله (١٣٨٥). **تحرير الوسيلة**. تهران: موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.

راغب اصفهانى، حسين بن محمد (١٤١٢ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بيروت: دارالقلم.

شمس الدين، محمد جعفر (١٤٢٦ق). **الوقف و احكامه فى الفقه الاسلامى و القوانين اللبنانىة**. بيروت: دار الهادى.

صدوق، محمد بن على (١٤١٣ق). **من لا يحضره الفقيه**. قم: دفتر انتشارات اسلامى، جامعه مدرسين حوزة علميه، ج ٤.

طباطبايى، سيد محمد حسين (١٣٦٣). **تفسير الميزان**. قم: دارالكتب الاسلاميه، بنياد علمى و فكرى علامه طباطبايى،

ج ١٩.

طوسى، ابوجعفر (١٣٨٧ق). **المبسوط**. قم: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ج ١، ٣.

طوسى، ابوجعفر (١٤٠٧ق). **الخلافا**. قم: دفتر انتشارات اسلامى، جامعه مدرسين حوزة علميه، ج ٤.

طوسى، محمد بن حسن (١٣٩٠). **استبصار فيما اختلف من الاخبار**. قم: دارالكتب الإسلاميه، ج ٤.

طوسى، محمد بن حسن (١٤٠٠ق). **النهاية**. بيروت: دارالكتاب العربى.

عاملى، محمد بن مكى (١٤١٧ق). **الدروس الشرعية فى فقه الاماميه**. قم: مؤسسه النشر الإسلامى، لجماعة المدرسين،

ج ٢.

عاملى غروى، جواد بن محمد (١٤١٩ق). **مفتاح الكرامه**. قم: دفتر انتشارات اسلامى، جامعه مدرسين حوزة علميه،

ج ٢١.

فاضل مقداد (١٤٢٥ق). **كنز العرفان**. قم: انتشارات مرتضوى، ج ٢.

فخرالمحققين، محمد بن حسن (١٣٨٧ق). **ايضاح الفوائد**. قم: مؤسسه اسماعيليان، ج ٢.

كاشف الغطاء، عباس بن حسن (بى تا). **الفوائد الجعفرية**. قم: مؤسسه كاشف الغطاء.

كلىنى، ابوجعفر محمد بن يعقوب (١٤٢١ق). **الكافى**. تهران: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامى، ج ٧.

محقق حلى، جعفر بن حسن (١٤٠٨ق). **شرائع الاسلام**. قم: مؤسسه اسماعيليان، ج ١-٢.

محقق کرکی، شیخ علی (۱۴۲۹ق). **جامع المقاصد**. بیروت: مؤسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث، ج ۹.

مظفر، محمدرضا (۱۴۲۳ق). **اصول الفقه**. قم: جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.

مظفری، مصطفی (۱۳۸۷). **تبدیل مال موقوفه در حقوق ایران و فقه امامیه**. اصفهان: همایش بین المللی وقف و تمدن اسلامی.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). **المقنعه**. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

میسمی، حسین و همکاران (۱۳۹۲). **امکان سنجی فقهی اقتصادی استفاده از نهاد وقف در تأمین مالی خرد اسلامی**.

در: درس هایی برای اصلاح نظام قرض الحسنه در کشور، ششمین کنفرانس توسعه نظام تأمین مالی در ایران.

نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۹۸۱م). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۲۲،

۲۸.

هندی، علی المتقی ابن حسام‌الدین (۱۳۶۴ق). **کنز العمال**. هند: دائرة المعارف العثمانیه حیدرآباد، ج ۴.